



در نظریه پست مدرنیسم دانش آموزان چگونه خود و دنیای پیرامون خود را در تعامل با کلاس درس درک می کنند؟

قاسم محمدیاری

استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

gmohamadyari@pnu.ac.ir

چکیده

در جهان پست مدرن انسان خودش را در برابر مجهولات زیادی می بیند چرا که انسان باید خودش به تعیین و تعریف هویت و جایگاه و نقش خود در جهان در حال تغییر بپردازد. هدف از این تحقیق پاسخ به این سوال است که در نظریه پست مدرنیسم دانش آموزان چگونه خود و دنیای پیرامون خود را در تعامل با کلاس درس درک می کنند؟ این پژوهش جزو پژوهش های توصیفی از نوع تحلیلی و به روش کتابخوانه ای می باشد. برای بررسی موضوع از منابع کتابی و الکترونیکی از جمله مقالات استفاده شده است. یافته ها با استفاده از فیش برداری گردآوری شده و به روش تبیین استنادی تحلیل شده است. یافته ها نشان داد که پست مدرنیته را می توان به عنوان نظریه ای در تقابل با مدرنیته قلمداد کرد که در دیدگاه مدرنیسم صاحبان قدرت با ابزار مدرنیته به تضعیف بیشتر ضعفا با هزینه خود آن ها می پرداختند و روابط بین اعضا بالا به پایین بود و بر این اساس، در محیط کلاس درس نیز معلمان مرجع نهایی علم محسوب شده و دانش آموزان گردآورنده پاسخ های مورد نظر معلم بودند. در حالی که در دیدگاه پست مدرنیسم روابط بالا به پایین بین صاحبان قدرت با زیردستان دچار فروپاشی شده و روابط بیشتر به شکل افقی و عرضی شده است به طوری که دانش آموزان همانند معلمان دارای دانش و عواطف خود نسبت به خود و دنیای پیرامون خود هستند و تعامل بین دانش آموز و معلم موجب تغییر دانش، عواطف و رفتار هر دوی آنها یعنی معلم و دانش آموز نسبت به خود و دنیای پیرامون خود خواهد انجامید. با این رویکرد، شکل چینش صندلی های کلاس ها تغییر یافته و صندلی ها به صورت میزگردی به طوری یک دانش آموز رو در روی سایر دانش آموز و معلمان قرار گیرد نه یک معلم رو در روی کل کلاس. بنابراین، به نظر کلاس های پر محتوا کلاس هایی هستند که به شیوه میزگردی اجرا می شوند که در آن سهم دانش آموزان از لحاظ دانش، عواطف و رفتارها در تغییر رفتار بعدی آنها لحاظ شده است. همچنین، در این رویکرد، معیارهای دانش و حقیقت در یک تغییر مداوم قرار گرفته و دانش آموزان حقایق موجود در مورد خود و پیرامون خود را مرحله از حقایق بیشتر و دقیق تر قلمداد می کنند و آن را ثابت نمی دانند. این امر مضامین مختلف تربیتی منجمله شیوه آموزش و ارزشیابی را برای نظام تربیتی و شیوه های فرزند پروری والدین به همراه دارد.

واژگان کلیدی: مدرنیسم، پست مدرنیسم، تعاملات کلاسی دانش آموزان



۱- مقدمه

پست مدرنیته بصورت نگرش هوشمندانه از "حرکت به جلو همه چیز" یا ترک خصوصیات موضوعات مدرن در همه چیز شناخته شده است (بومان)^۱، ۱۹۹۲؛ کاستلس^۲، ۱۹۹۷). در نهایت به نظر میرسد که تفکر پست مدرن در هیچ چیزی هدفی نمی بیند، با ساختارشکنی همه چیز را حل می کند و با این معنی است که باقیمانده ای از ویژگی های صرفا فردی در مدرنیته غیر معنادار است. هیچ چیز معنادار نیست مگر در ساختارشکنی آن و نه در خود آن. در این معنا تمامی ایده های پیشرفته مدرنیته چیزهایی هست که با توجه به تمرکز هوشمند ساختارشکنی پست مدرنیته پایدار نیستند (بومان، ۱۹۹۲؛ وون رایت^۳، ۱۹۹۲). ایده پیشرفت مدرن از رنسانس و عصر روشنفکری به ارث رسیده که در جهان غرب تا حال به اجرا در آمده است (وون رایت، ۱۹۹۲؛ نیسبت^۴، ۱۹۸۰).

پست مدرن و جایگاه انسان در آن

در جهان پست مدرن انسان خودش را در برابر مجهولات زیادی می بیند چرا که انسان باید خودش به تعیین و تعریف هویت و جایگاه و نقش خود در جهان در حال تغییر بپردازد. در جهان در حال دگرگونی مسئولیت انسان در تعریف ارزشها و ایجاد نگرشهای فردی بر عهده خود اوست. انسان عصر قبل از مدرنیته بخاطر تکیه بر سنتها احساس امنیت بیشتری می کرد. همچنانکه در دوران مدرنیسم این احساس امنیت جایش را به نهادهای دولتی و مراجع قدرت می داد هرچند صنعتی شدن و کمتر شدن روابط ملموس بین افراد منجر به ماشینی و صوری شدن روابط بین انسانها گشته و پیشرفت های تکنولوژی انسان را در بند خود قرار داده با این حال انسان مدرن تا حدودی نقشی در تعیین ارزشها و راهنمای اعمال خود در خود نمی دید اما در دوره پست مدرن انسان در برابر ساختارهای تحمیلی به می ایستد و به آن اعتراض دارد و آن را مغایر با آزادیهای خود می داند، با اینحال مسئولیت او در برابر خود و دیگران و جهان بیشتر می شود چراکه نه تنها باید به تعریف خود و رابطه با دیگران و جهان بپردازد از طرفی هم باید در برابر ساختارهای قبلا شکل گرفته ناکارآمد دوره مدرن قد علم کند. البته باید متذکر شد که دوره مدنیسم سریعاً به دوره پست مدرن منتقل نشده چرا که زمان حال را باید قبل از دوره پست مدرن بنامیم و بهتر است این دوره را دوره انتقال مدرن اخیر بنامیم بعنوان نمونه بعضی از چیزها در بین دو دوره هستند، نسبت به دوره مدرن و پست مدرن در حد وسط قرار دارند (وون رایت، ۱۹۸۵؛ وون رایت، ۱۹۸۶). امروزه مدرن موخر، زمانی است که همه چیز متفاوت از دوره مدرن بشکل بلوغ خود نرسیده است. دوره ای که در آن زندگی می کنیم شیوه رفتاری و فکری ما بیشتر مدرن است تا پست مدرن؛ چرا که پست مدرن بطور کامل در افکار و اعمال ما عینیت پیدا نکرده و ما بیشتر مدرنیته و یا سنتی رفتار می کنیم هر چند در دوره پست مدرن قرار گرفته ایم. مثلاً نظام آموزشی ما به لحاظ ظاهری در دوره پست مدرن قرار گرفته بعنوان نمونه ارزشیابی ما کیفی شده اما با نگاه درست می توان گفت تغییر مهم و تاثیرگذار در نظام آموزشی ما اتفاق نیافتاده است مثلاً شیوه برخورد، رابطه علمی معلم با دانش آموزان و نحوه چیدمان صندلی های کلاس و غیره همچنان مدرن است و چنانکه می توان استنباط کرد انسان هنوز اسیر نگرشها و رویکردهای تکنولوژیکی دوره مدرن است در مدرسه و در خارج از مدرسه. درحالیکه با نگاه بهتر می توان دید انسان واقعا در دوره پست مدرن قرار گرفته مرزهای جغرافیایی فروپاشیده می توان گفت مرزهای فکری انسان هم فروپاشیده. انسان پست مدرن افکارش را در برابر افکار متنوع سایرین می بیند و خود محویش کمتر می شود چراکه با برخورد با نگرشها و گروهها و همچنین افکار سایرین تحملش در برابر دیگران بیشتر می شود و این هم مسئولیت فرد را در برابر رفتارش بیشتر می کند.

¹ - Bauman

² - Castells

³ - von Wright GH

⁴ - Nisbet



مدرنیته و جایگاه انسان در آن

این در حالی است که در دوره مدرنیته چهارچوبهای رفتاری کاملاً سازمان یافته و اعمال بر اساس این چهارچوبها عملیاتی می شد و خارج از آن نابهنجار و ضد ارزش قلمداد می شد چراکه فرهنگها و تاریخ رفتاری افراد متفاوت بود رفتاری که در فرهنگی ارزش محسوب می شد ممکن بود در دیگر فرهنگها غیر ارزش محسوب می شد. در دوره مدرنیته جامعه واقعی نیست بلکه صوری می باشد چراکه انسانها در آن جامعه امکان شناخت همدیگر را نداشتند و رابط بین آنها صوری، قراردادی و سطحی می باشد. روابط انسانها بر حسب مصلحت و بخاطر مطلوبیت می باشد. در این جامعه یک "ما"ی بزرگی شکل می گیرد که اساس آن هویت جمعی بزرگ است. با اینحال توافق بین امور کمتر است و هویت های انفرادی به فراموشی سپرده می شود و آن چه اهمیت دارد هویت های ملی و جمعی است (قاسمی، ۱۳۸۲: ۱۲۷).

۲- روش شناسی

در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی از نوع تحلیل اسنادی به روش کتابخوانه ای استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش تمامی منابع مکتوب در زمینه نظریه های مدرنیسم و پست مدرنیسم است. نمونه آماری این پژوهش منابع در دسترس در حوزه های نام برده به خصوص مقالات است. اطلاعات جمع آوری شده به روش تحلیلی به شیوه تبیین استنادی^۵ استفاده شده است.

۳- بحث درباره یافته ها

انسان و پست مدرن

دنیای پست مدرن بسیار پیچیده تر از دنیای مدرن می باشد. خواسته های انسان امروزی بسیار بیشتر از خواسته های انسان دیروزی است. در پست مدرنیسم همچنانکه با پساساختارگرایی مضامین انسانی را تکه تکه و مرکز زدایی تلقی کردند مفهوم عمومی هویت نیز دستخوش تحولات گوناگونی گردید به عنوان نمونه در پست مدرنیسم به تاثیر از "هربرت مید" هویت را امری نسبی نه مطلق تعریف کردند (صادقیه، ۱۳۸۶: ۱۰). هویت انسان پست مدرن برگرفته از ارزشها و هنجارهای ابزاری است که ریشه در تخیلات یا واقعیت های صوری دارد. بنابر این تفسیر ممکن است در تقابل با سنت های تاریخی و چهارچوب های پذیرفته شده افراد باشد.

اگرچه واژه پست مدرنیسم توسط تعداد زیادی از نویسندگان دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مورد استفاده قرار گرفته است اما تا نیمه دهه ۱۹۷۰ به صورت منسجم در نیامده بود. با انتشار کتاب موقعیت پسامدرن اثر ژان - فرانسوا لیوتار در ۱۹۷۹ و ترجمه آن به زبان انگلیسی در سال ۱۹۸۴ وی گزارشی درباره مفهوم پسامدرنیسم در حوزه علوم انسانی و فلسفه مطرح کرد. به گفته لیوتال پست مدرنیسم درک مدرنیسم همراه با بحرانهایش است و مفهوم بحران نقش مهمی در مباحث پست مدرن دارد. لیوتال بر این باور است که آنچه پست مدرنیسم را بوجود آورده است دقیقاً بحرانی است که گریبان آن شده ایم. دلیل این بحران دگرگونی های گسترده ای بود که از ابتدای قرن بیستم و توسعه علمی و فناوری ظاهر شد (غفارپور، ۱۳۸۸: ۳).

پست مدرن، عصیان اندیشه متفکرانی است که می پندارند مکتب ها و دستگاه های فلسفی مدرن و کلاسیک پاسخگوی انسان امروزی نیست . پست مدرن اصطلاح مفیدی است که به هر حال به عنوان چارچوبی برای فهم قضاوت های کلی و روبه افزایش در مورد جهان به کار می رود (گریجسون^۶، ۲۰۰۴). ایده جهانی پست مدرن منعکس کننده تغییرات اساسی در نگرش ها، سبک ها و رشته های علمی است که بعد از جنگ

^۵. بیان و تفسیر موضوع بر اساس اسناد و کتابها و مقالات و مجلات

^۶ -Gregson



جهانی دوم در فرهنگ غرب پدیدار گشته است (گلدستون^۷، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴). این واژه در فارسی، به اشکال متفاوتی مانند: پسانوگرایی، فرانوگرایی، پسامدرنیسم، پساتجددگرایی، پسامدرنیته، فرامدرنیته، و پست مدرنیته ترجمه شده است پست مدرنیسم، چالش فکری در اروپاست که بعد از دوران روشنگری قرن هفدهم پدیدار گشت و آن، همانا تردید و ناباوری است درباره فرا داستان ها. از این دیدگاه پست مدرنیسم، جنبشی چند منظوره است که نارضایتی خود را از دانش و عقید های که خویش را جهانی می انگارد، اظهار می دارد (گود^۸، ۱۹۹۶). پست مدرنیسم با نفی نگرش به جهان به مثابه کلیتی به هم پیوسته، منسجم و فراگیر، نفی انتظار هرگونه راه حل های نهایی و پاسخ های قطعی و بالاخره به عنوان روحیه تكثر تگرایی و پلورالیسم و ناباوری به مدرنیسم و با زیر سؤال بردن مشروعیت دانش، مرجعیت عقل، محوریت انسان در جهان و طبیعت و حاکمیت اندیشه های مسلط، تحولی در افکار جهانیان پدید آورده است (نوذری، ۱۳۷۹). نخستین متفکرانی که در قرن نوزدهم مفاهیم مدرنیستی را نقد کردند، نیچه و هایدگر بودند. نیچه با نقد عقل مدرن، عدم اعتقاد به حقیقت غایی و ارزش های ذاتی، تأکید بر تفاوت ها و تمرکز زدایی، و هایدگر با به چالش کشیدن سلطه تکنولوژی بر انسان، زمینه ظهور اندیشه پست مدرنیسم را فراهم ساختند (نجاریان و همکاران، ۱۳۸۲). کلیو (۲۰۰۲) معتقد است پست مدرنیسم دیدگاه فلسفی و اجتماعی جدیدی است که در آثار متفکران مطرح شده است. این دیدگاه، همچنان که در قلمرو مختلفی چون: فلسفه، سیاست، هنر، فرهنگ و علوم اجتماعی به مسایل و مباحث تازه ای پرداخته، در عرصه تعلیم و تربیت نیز پرسش ها و نگرش های جدیدی را به میان آورده است. برخی پست مدرنیسم را جریانی علیه مدرنیسم می دانند؛ و برخی دیگر پست مدرنیسم را به عنوان تداوم و تکمیل مدرنیسم می دانند. گروهی دیگر نیز پست مدرنیسم را تلاشی برای یافتن راهی برای خروج از بحران هایی می شمارند که مدرنیسم به وجود آورده است.

ویژگی های دوران پست مدرنیسم

شک گرایی درباره فراروایتها یا روایت های کلان: فرض اصلی پست مدرنیسم عدم اعتقاد به کلیت یا فراروایت است (لیورتال^۹، ۱۹۸۴). بنابراین هیچ سخن برتری نیست تا با آن سرانجام سخن های دیگر روشن شود. به باور فوکو^{۱۰} هیچ سخن و نظری جها نی و فرآیند نیست، در عوض گونه گو نی و فراوا نی عقل ها و نظریه ها درباره مسایل ویژه و محلی است. به عقیده ایشان، عقل قادر به ارایه یک الگوی جها نی واحد و معتبر نیست، بلکه تنها می تواند به الگوهای محلی و خاص اقدام نماید (هرست و وایت، ۱۹۹۸). بنابر این پست مدرنیست ها با انکار فراروایت ها و عقل جهانی، براین باورند که اندیشه اخلاقی نیز نمی تواند در یک زمینه جهانی انجام گیرد (فوکو، ۱۹۸۰). هولاب (۱۹۹۱) بر این باور است که در دوران مدرنیسم مفهوم مدرن نوعی معرفت است که با روایت کلان و جامع به خود مشروعیت بخشیده است بر این اساس پست مدرنیته به مبارزه با این اندیشه برخاست و اندیشه کلیت گرایی را مورد نقد قرار داده و از لحاظ سیاسی و فکری هرگونه رژیم خودکامه را محکوم می کند (هرست و وایت^{۱۱}، ۱۹۹۸).

-تاکید بر تصورات متضاد: اندیشه پست مدرنیسمی اندیشه تضادها و تناقضات است. بین ارزشها و ضد ارزشها تمایزی قابل نیست. یعنی رفتار و اعمال انسان نمی تواند بر حسب هنجارها و یا واقعیت های خارجی هدایت شود. بنابر این جوامع آینده دارای صداهای چندگانه است و نمی توان هیچ کدام را بر دیگری برتر دانست. بنابر این مفهومی بنام ارزشها یا ضد ارزشها وجود ندارد بلکه بر حسب موقعیت و زمینه ها خوب و بد تعیین می شود و ارزش ها سیال و متغیرند و بر پایه متن و زمینه تفسیر می شوند (موراسکی^{۱۱}، ۱۹۹۶). نزد اینها دانش بر جنبه های واقع گرایانه استوار نیست و دانش امری غیر نمادین است (هرست و وایت، ۱۹۹۸).

⁷ - Goldstone

⁸ - Good

⁹ - Lyotard

¹⁰ - Hirst, J. & White

¹¹ - Morawski



نگرش بر زبان: بر اساس پست مدرنیسم بنیاد نگرش و ذهنیت انسان بر پایه زبان اوست و کلمات و واژه ها به خودی خود معنادار نیست بلکه بر حسب ارتباط ما با آنها معنادار می شود

-کثرت گرایی و مخالفت با هر نوع وحدت گرایی: بر این اساس پست مدرنیسم به تنوع فرهنگی، هویت های متنوع فرهنگی و اجتماعی بها می دهد و همچنین از تمایز حقوق افرادی که تحت عنوان اقلیت قلمداد شده و همچنین افراد با جنسیت زن و یا مرد و نژاد های مختلف قومی و فرهنگی دفاع می کند (باقری، ۱۳۸۱).

به اعتقاد متزالوسن^{۱۲}، در سال ۱۹۹۵ پست مدرنیسم واژه ای است که در ابتدای دهه ۱۹۸۰ بر اساس آثار فلاسفه اجتماعی فرانسوی و تا حدودی انگلوساکسون مانند دریدا، بودرو یلارد، جیسون و هاروی توجه و علاقه زیادی را در قلمرو علوم اجتماعی به خود معطوف کرده است (داوودی، ۱۳۸۵). پست مدرنیسم که در خلال نیمه دوم قرن بیستم در سطح فرهنگی شکوفا شد، کمتر به عنوان طرح و بیشتر به عنوان نقدی بر مدرنیت مطرح شد. پست مدرنیسم معتقد است که برنامه کار مدرنیت بیشتر به تجمع قدرت مرتبط است تا جستجوی حقیقت، و از آن برای تقویت قدرتمندان با هزینه ضعیف استفاده شده است، بعضی ها به اشتباه پست مدرنیت را انکار حقیقت می دانند (شاهینیان، ۲۰۰۹). در جهان پست مدرن، پس از ۱۹۶۰ روابط تولیدی قبلی تغییر کرده است و کل نظام ارزش گذاری متحول شد. در این دوره بیشتر توجهات به اطلاعات، نرم افزار، کامپیوتر و وسایلی که به سبکی با تکنولوژی هوا و فضا در ارتباط می باشد سوق پیدا کرد. اطلاعات در این عصر با مصرف تمام نمی شود و بر خلاف بیشتر اشیاء در جهان سرمایه داری با استفاده مکرر کاهش نمی یابد. جهان پست مدرن متعلق یا مطیع یا منحصر به هیچ گروهی بجز کاربران فکری نمی باشد. جهان اطلاعاتی پست مدرن مقدار کار کاربران فکری را کاهش نداده، بلکه فقط بار تصمیم گیری را افزایش داده است، در این سازمان ها سرمایه به صورت پول یا ماشین آلات نیست بلکه به صورت "اطلاعات" است. شیوه های ایجاد انگیزه در کارکنان مبتنی بر روش هایی است که بتوان رضایت باطنی آنها را تأمین کرد، از خصوصیات این دوره، طرد فردیت خود مختار حاکم با تأکید بر تجربیات فشرده هولناک، حذف تمایز، در هم آمیختگی سوژه خود و دیگران است (نیاز آذری، ۱۳۸۲). پست مدرنیسم، بعد از جنگ جهانی دوم و درواکنش به وجود ضعف های مدرنیسم که در طرح های هنری رادیکال آن با حکومت تک حزبی (دیکتاتور) مرتبط بود و یا در فرهنگی اصلی جذب شده بود، بوجود آمد. مشخصات اصلی آن را می توان در اوایل دهه ۱۹۴۰ به ویژه در کار جرج لوئی بورگن مشاهده کرد، ولی بیشتر دانشمندان امروزه معتقدند که پست مدرنیسم رقابت با مدرنیسم را در اواخر سال ۱۹۵۰ شروع کرد و در دهه ۱۹۶۰ بر آن غالب شد. از آن زمان، پست مدرنیسم، یک نیروی غالب ولی بحث انگیز در هنر، ادبیات، فیلم و موسیقی، معماری و فلسفه شده است. ویژگی های برجسته پست مدرنیسم عبارتند از بازی طعنه آمیز با سبک ها، نقل قول ها و روایت ها، یک تردید متافیزیکی به روایت های اصلی از فرهنگ غرب.

۴- نتیجه گیری

از این مبحث می توان دریافت شرایط انسان در دوران پست مدرن خیلی متفاوت تر از شرایط او در دوران مدرن است در دوران پست مدرن روابط انسان با خود و دیگران و جهان تغییر پیدا کرده در این دوران بخاطر گسترش و نشر افکار و عقاید متنوع و گاهی متضاد انسان خود را در برابر عدم پایداری بیشتری می بیند چیزی ثابت و قابل اتکاء نیست هر چیزی نسبت به چیز دیگر پایدار یا عدم پایدار است و هیچ چیزی بطور مطلق پایدار یا غیر پایدار نیست مرزهای دانش بواسطه گسترش روز افزون تکنولوژی از بین رفته مرزهای فکری افراد به واسطه این موضوع کم دوام شده و انسان امروز در یک دهکده بزرگ زندگی می کند بنابر این اتفاق های مختلف در دنیا به وی اثر می گذارد پیشرفتهای بشر باعث ایجاد مجهولات بیشتر او شده است دیگر در قالب های خاص قرار نمی گیرد و خواسته های او بیشتر شده و ساختن هویت بر مبنای دیدگاه سنتی ویا مدرن از بین رفته است و انسان دائما در حال بازسازی هویت جدید خویش می باشد. بنابراین، در حیطه تعلیم و تربیت نیز دانش آموزان خود را مشارکت کننده های اصلی در فعالیت های تربیتی می دانند و به نقش خود در شکل گیری هویت خود و درک معارف بشری بیشتر آگاه هستند و دانش و معیارهای سنجش دانش را نه حقیقت محض و دائمی بلکه آن را موقتی و قابل تغییر می دانند.

¹² -Mets Alvesson



۵- پیشنهادات

با توجه به یافته ها می توان گفت در نظام تربیتی و در قالب برنامه های آموزش رسمی و غیر رسمی سهم مشارکت دانش آموزان در شکل گیری هویت خود و کسب دانش و معیارهای آن را تاثیرگذار دانسته و بدون در نظر گرفتن آن ها موفقیت در نظام های تربیتی و آموزشی ممکن است با تردید همراه شود. همچنین، پیشنهاد می شود جهت موفقیت برنامه های آموزشی کارگاه های آموزشی برای معلمان در قالب تعلیم و تربیت در دوره مدرنیسم، پست مدرنیسم و دوره مابین مدرنیسم و پست مدرنیسم اجرا شود. همچنین، جهت موفقیت برنامه های آموزشی مدارس کارگاه های آموزشی برای والدین در چاقوب آموزش های خانواده در قالب تعلیم و تربیت در دوره مدرنیسم، پست مدرنیسم و دوره مابین مدرنیسم و پست مدرنیسم اجرا شود.

منابع

داوودی، امیرحسین. (۱۳۸۵). "تئوری های سازمان و مدیریت در جهان امروز" پایان نامه دکتری، واحد علوم تحقیقات.

صادقیه، پریسا. (۱۳۸۶). هویت در بحران مشروعیت. روزنامه شماره ۳۷۵۱.

غفارپور، مهدی. (۱۳۸۸). تنسان شناسی، انجمن انسان شناسی ایران؛ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

قاسمی، یار محمد. (۱۳۸۲). جهانی شدن تضاد یا توازی هویت های جمعی خرد و کلان. فصلنامه دانشگاه قم. سال چهارم، شماره ۳ و ۴.

نیاز آذری، کیومرث. (۱۳۸۱). "سازمانهای آموزشی در هزاره سوم" تهران، انتشارات: فراشناختی اندیشه، چاپ اول

Bauman Z. (1992) Post-modernin lumo. Translation amongst others from Intimations of postmodernity. London: Routledge.

Castells M. (1997). The information age: economy, society and culture, volume I. The rise of the network society. Oxford: Blackwells, Reprint p. 4.

Goldstone, B, P. (2002). What up with our books? Changing codes and teaching implications. *The Reading Teacher*, 55, 362370.

Goldstone, B. P. (2004). The postmodern picture: a new subgenre. *Language Arts*, 81(3), 196204.

Good. R. (1996). *Perspectives of postmodernism and science education*. U.S.A. Louisiana: Anaheim.

Gregson, I. (2004). *Postmodern literature*. London: Arnold.

Hirst, J. & White, M. (1998). *Philosophy of education (Discours or moral action?)*. London: Routledge. Vol.III.

Lyotard, J. (1984). *The postmodern condition: a report on knowledge*. Manchester: Manchester University Press.

Morawski, S. (1996). *The troubles with postmodernism*. London: Routledge.



Nisbet R. (1980). The great renewal. In: History of the idea of progress. New York: Basic Books, p. 118–70.

Shahinian. A(2009) "What's a post post modern world2" NOV,28 .07 .5:07am PP:13).

von Wright GH. (1992). Minervan po"llo". Esseita" vuosilta 1987–1991 [The myth of progress]. Keuruu: Otava, p. 140–71.

von Wright GH. 1992) .Minervan po"llo". Esseita" vuosilta.(1987–1991). [The myth of progress]. Keuruu: Otava,(. p. 168.

von Wright GH. (1985). Is and ought. In: Bulygin E, editor. Man, law and modern forms of life. Dordrecht: Reidel.

von Wright GH. (1986).Rationality: means and ends. Epistemologia;9:57–71.



How do students understand themselves and the world around them in interaction with the classroom In the theory of postmodernism?

Ghasem Mohammadyar: Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

gmohamadyari@pnu.ac.ir

Abstract

In the post-modern world, man sees himself facing many unknowns, because man must determine and define his own identity, place and role in the changing world. The purpose of this research is to answer the question that in the theory of postmodernism, how do students understand themselves and the world around them in interaction with the classroom? This research is the descriptive researches of the analytical type and in the bibliography method. Book and electronic resource, including articles in this field, have been used to investigate the issue. The findings showed that Postmodernity can be considered as a theory in opposition to modernity that in the view of modernism, those in power used the tools of modernity to further weaken the weak at their own expense, and the relationships between members were top-down, and based on this, in the classroom environment, teachers are considered the final authority of science, and students are the collectors of answers. While in the perspective of postmodernism, the top-down relationships between the power holders and subordinates have collapsed and the relationships have become more horizontal and transverse, so that students, like teachers, have their own knowledge and emotions towards themselves and the world around them. The interaction between the student and the teacher will change the knowledge, emotions and behavior of both of them, i.e. the teacher and the student, towards themselves and the world around them. With this approach, the shape of the classroom chairs has been changed and the chairs are in the form of a round table so that a student faces other students and teachers instead of a teacher facing the whole class. Therefore, in the opinion of content-rich classes, there are classes that are conducted in a round table manner, in which the contribution of students in terms of knowledge, emotions and behaviors is included in changing their subsequent behavior. Also, in this approach, the criteria of knowledge and truth are in a continuous change and students consider the facts about themselves and their surroundings to be more and more accurate facts and do not consider it fixed. This brings with it different educational themes, including teaching and evaluation methods for the educational system and parenting methods.

Keywords: modernism, postmodernism, students' classroom interactions